

فرزاد اسکندری*، دکتر سیدمحمود حسینی**، دکتر خلیل کلانتری**

تاریخ دریافت: ۸۴/۱۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۸۵/۲/۶

چکیده

تحولات صورت گرفته در بخش کشاورزی، افزایش نرخ بیکاری در این بخش و نقش کارآفرینی در توسعه اقتصادی از عوامل بسیار مهمی هستند که لزوم توجه به توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی ایران را روز به روز بیشتر می‌کنند. در این راستا نقش آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی و دانش آموختگان آن بسیار مهم و تعیین کننده است. به منظور بررسی عوامل اثرگذار بر عملکرد کارآفرینانه دانش آموختگان این بخش از آموزش عالی، تعداد ۷۲ کسب و کار، که شمار اعضای تیم اصلی آنها ۱۰۳ نفر بود، از ۸ استان کشور انتخاب و به روش پیمایشی مطالعه شد. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه و مصاحبه بوده و تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق نرم افزار spss و با به کارگیری آماره‌های توصیفی، رگرسیون گام به گام و تحلیل مسیر انجام گرفته است.

* دانشجوی دوره دکتری در رشته آموزش کشاورزی دانشگاه تهران

** اعضای هیئت علمی گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تهران

halil_kalantari@yahoo.come-mail: k

نتایج نشان داد که: (۱) گرایشهای کارآفرینانه کسب و کار، تمایلات کارآفرینانه اعضای اصلی کسب و کار، پویایی محیط و رقابتی بودن بازار تأثیر مثبت و معنیداری در عملکرد کارآفرینانه کسب و کار دارند؛ (۲) از دیدگاه پاسخگویان، محیط پیرامون کسب و کار حامی رفتار کارآفرینانه نبوده بلکه مانع رشد و توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی به حساب آمده است و (۳) در حالی که آموزش نقش مثبت و معنیداری بر عملکرد کارآفرینانه دارد. پاسخگویان اظهار داشتند که آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی تنها در کسب مهارت‌های تخصصی تأثیر داشته و نقش چندانی در کسب سایر مهارت‌های مورد نیاز (مهارت‌های کسب و کار و مهارت‌های کارآفرینانه) کارآفرینان دانش آموخته آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی ایران نداشته است. نتایج این تحقیق می‌تواند مورد استفاده برنامه‌ریزان و سیاستگذاران آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی، سازمانهای دست‌اندرکار توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی، و نیز افراد علاقه‌مند به فعالیت کارآفرینانه در بخش کشاورزی ایران قرار گیرد.

کلید واژه‌ها:

کارآفرینی در کشاورزی، آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی ایران، گرایش کارآفرینانه، عملکرد کارآفرینانه، عوامل محیطی، عوامل سازمانی

مقدمه

در شرایط کنونی که رفتار مبتنی بر کارآفرینی مولدان و شاغلان بخش کشاورزی و منابع طبیعی ضرورتی انکارناپذیر به شمار می‌آید (Smit, 2004)، چه عواملی در عملکرد کارآفرینانه یک کسب و کار راه‌اندازی شده توسط کارآفرینان این بخش در ایران تأثیر دارد؟ این پرسش نه تنها برای کارآفرینانی که قصد راه‌اندازی یک کسب و کار توسعه‌یابنده در بخش کشاورزی و منابع طبیعی را دارند، بلکه برای سازمانهای دست‌اندرکار توسعه کشاورزی و مسئله اشتغالزایی در بخش غیر دولتی کشاورزی نیز از اهمیت راهبردی برخوردار است. در این راستا مطالعه فعالیت‌های کارآفرینانه دانش‌آموختگان آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی

...

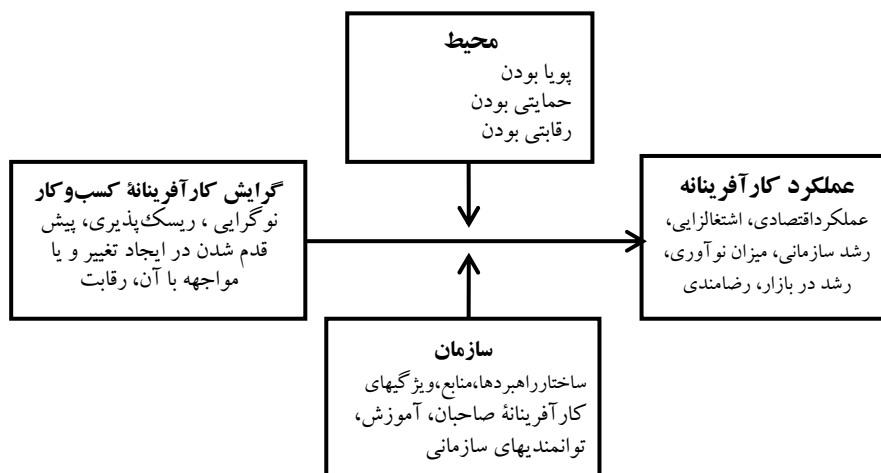
اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا امروزه بیکاری دانش‌آموختگان این بخش از آموزش عالی به یکی از چالش‌های اساسی بخش کشاورزی تبدیل شده و ذهن تمامی سازمان‌های فعال در توسعه کشاورزی را به خود مشغول ساخته است. بررسی روند اشتغال و بیکاری دانش‌آموختگان آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی نشان می‌دهد که این بخش از آموزش عالی با سهمی برابر با ۰/۴۷ درصد کمترین سهم را در اشتغال دانش‌آموختگان به خود اختصاص داده (نفیزی، ۱۳۷۸)، در حالی که تعداد دانشجویان و دانش‌آموختگان آموزش عالی کشاورزی مرتباً در حال افزایش بوده به طوری که تعداد آنها با رشدی معادل ۴۶/۶ درصد، از ۳۲۳۹۲ نفر در سال تحصیلی ۱۳۷۵-۷۶ به ۴۷۴۹۷ نفر در سال تحصیلی ۱۳۷۹-۸۰ افزایش یافته است. بنابراین، اگر روند موجود همچنان ادامه یابد، نرخ بیکاری در میان دانش‌آموختگان این بخش از آموزش عالی در مقایسه با سایر بخشها افزایش بیشتری خواهد یافت (رسول اف، ۱۳۸۰).

در این زمینه اعتقاد بر این است که توجه و تأکید بر خوداشتغالی از طریق کسب و کارهای کوچک یکی از راه‌حل‌های بسیار مهم است. آموزش کارآفرینی می‌تواند نقش بسیار مهمی در تغییر دیدگاه‌های دانشجویان در جهت خوداشتغالی و کارآفرینی ایفا و آنها را برای اشتغال در بازار کار خوداشتغالی آماده کند (Nelson, 1986).

به منظور بررسی مسئله فوق، مقاله حاضر دو هدف اساسی زیر را تعقیب می‌کند:
۱) بررسی عوامل محیطی، سازمانی و آموزشی مؤثر بر عملکرد کارآفرینانه کسب و کارهای راه‌اندازی شده توسط دانش‌آموختگان آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی و تحلیل نوع رابطه‌ای که بین آنها برقرار است و ۲) بررسی تأثیر گرایشهای کارآفرینانه کسب و کار در عملکرد کارآفرینانه آن.

تا اوایل دهه ۱۹۸۰، مطالعات کارآفرینی عمدتاً بر بررسی نقش عوامل فردی و ویژگیهای فردی - جمعیت‌شناختی کارآفرینان تأکید داشت. اما امروزه کاربرد این گونه مدلها در مطالعات کارآفرینی منسوخ شده است و به جای آن از رهیافت وضعیتی استفاده می‌گردد. بر پایه این رهیافت، در محیطهای مختلف و بر اساس شرایط محیطی، ترکیبات گوناگونی از راهبرد، ساختار، فرایند سازمانی، محیط، گرایش کارآفرینانه و ویژگیهای صاحبان کسب و کار

با هم ترکیب می‌شوند و عملکرد کارآفرینانه را تحت تأثیر قرار می‌دهند (به منابع پایانی ۶، ۷، ۹، ۱۰، ۲۸، ۲۹، ۳۱ مراجعه شود). مدل مفهومی تحقیق در این مقاله، از رهیافت وضعیتی نشأت گرفته است. این مدل بر اساس بررسی پیشینه موضوع و از تلفیق چندین مدل مفهومی در زمینه «کارآفرینی در سطح کسب و کار» تدوین شده است (شکل ۱).



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

در این مدل منظور از "گرایش کارآفرینانه کسب و کار" تمایل کل مجموعه کسب و کار به اتخاذ چهار نوع رفتار سازمانی: الف) ریسک کردن؛ ب) نوگرایی؛ ج) پیش قدم شدن در ایجاد تغییر و یا مواجهه با آن؛ و د) رقابت پذیری است. میلر (Miller, 1983, 771) کسب و کاری را کارآفرینانه می‌داند که درگیر فعالیتهای نوآورانه از لحاظ محصول، خدمت، روش، بازار و فناوری باشد و همواره تمایل به ریسک و رقابت با رقبای در بازار داشته باشد و بکوشد از طریق اتخاذ فنون رقابت جویانه بر رقبای پیروز شود.

بر اساس "عوامل محیطی" مدل فوق، محققان مختلف اعتقاد دارند که موفقیت و عملکرد کارآفرینانه یک کسب و کار تحت تأثیر نگرش صاحبان آن نسبت به شرایط محیطی پیرامون کسب و کار است (Lumpkin & Dess, 2001). در این زمینه ابعاد پویایی محیط؛ رقابتی یا خصمانه بودن محیط؛ و همچنین حمایتی بودن محیط بیش از سایر عوامل محیطی مورد مطالعه قرار گرفته است. منظور از "پویا بودن محیط" میزان پیش‌بینی ناپذیر بودن محیط از

...

لحاظ رفتار مشتریان و رقبا، نرخ بالای تغییر در روندها و تمایلات بازار (اعم از مشتریان، رقبا، کالاها و خدمات) و آهنگ بالای نوآوری و فعالیتهای نوگرایانه در بازار است (Miller & Friesen, 1983; Dess & Beard, 1984). در چنین محیطهایی تقاضا و نیازهای مشتریان پیوسته دچار دگرگونی می‌شود و لذا فرصتهای زیادی برای کسب و کارهای دارای گرایشهای کارآفرینانه فراهم می‌گردد (Kreiser, 2004). "رقابتی و خصمانه بودن محیط" به معنای وجود تعداد زیاد رقبا در بازار، فشار فزاینده از سوی رقبا و رقابتی بودن فعالیتهای کارآفرینانه در بازار است (Fress & et al., 2002). نتایج تحقیقات صورت گرفته در سطح بین‌المللی نشان داده است که هرچه محیط پیرامون کسب و کار رقابتی‌تر و خصمانه‌تر باشد، آن‌که در بازار رقابتی کسب و کار دوام آورد و موفق شود باید بیشتر گرایش و رفتار کارآفرینانه در پیش گیرد. این عمل متعاقباً عملکرد کارآفرینانه را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد (همان منبع). محیط حمایتی محیطی است که در آن منابع انسانی و غیرانسانی و زمینه مورد نیاز جهت انجام و توسعه فعالیتهای کارآفرینانه فراهم است (Kreiser, 2004; Chadwick, 1998). مهمترین این منابع و نهادها عبارتند از: تجهیزات و فناوری مورد نیاز، کمکهای مالی، آموزش، فعالیتهای تحقیق و توسعه، مشوقهای اقتصادی و غیراقتصادی دولت، سیاستهای حمایتی دولت، دسترسی آسان به نهاده‌ها و مواد خام یا اولیه مورد نیاز، شبکه اطلاع‌رسانی پویا، زیرساخت‌های عمومی مناسب و شبکه حمل و نقل قوی (Bridge & et al., 2003).

بر اساس مدل تحقیق، منظور از "عوامل سازمانی" مجموعه‌ای از ویژگیهای ساختاری-فرایندی مربوط به کل مجموعه کسب و کار است که در عملکرد کارآفرینانه تأثیر بسیار دارد (Vandeven & et al., 1984). در این راستا عمدتاً متغیرهای سازمانی نظیر ساختار سازمانی، دسترسی به منابع، ویژگیهای کارآفرینانه صاحبان^۱ و توانمندیهای سازمانی

۱. ویژگیهای کارآفرینانه فرد عبارت است از برخی خصیصه‌های روانشناختی فردی که در تصمیم‌گیری فرد نسبت به راه‌اندازی و تداوم یک کسب و کار کارآفرینانه نقش اساسی و تعیین‌کننده دارد (Shanthakumar, 1992). مهمترین این ویژگیها، که محققان زیادی آنها را مطالعه کرده‌اند و در تحقیق حاضر نیز بررسی شده است، عبارتند از: انگیزه پیشرفت، استقلال‌طلبی، نوگرایی، فرصت‌شناسی و فرصت‌گرایی، مرکز کنترل داخلی، ریسک‌پذیری، تحمل شرایط پیچیده و مبهم، و خودباوری (همان منبع). ویژگیهای کارآفرینانه فرد با گرایش



کسب و کار مورد توجه محققان قرار گرفته است (Lumpkin & Dess, 1996). علاوه بر موارد فوق، از آنجا که یکی از اهداف این تحقیق مطالعه نقش متغیرهای آموزشی در عملکرد کارآفرینانه است، متغیرهای آموزشی نیز به عنوان بخشی از عوامل سازمانی، مطالعه شدند. با توجه به پیشینه و چارچوب نظری تحقیق، فرضیات زیر مورد آزمون قرار گرفت:

۱. گرایش کارآفرینانه یک کسب و کار و ویژگیهای کارآفرینانه صاحبان آن تأثیر مثبت در عملکرد کارآفرینانه آن کسب و کار دارند.
۲. پویایی محیط؛ رقابتی بودن آن و حمایتی بودن محیط تأثیر مثبت و معنیدار در عملکرد کارآفرینانه دارند.
۳. توانمندیهای سازمانی یک کسب و کار؛ ارگانیکی بودن ساختار آن و دسترسی آن منابع در عملکرد کارآفرینانه آن کسب و کار تأثیر مثبت دارد.
۴. فراگیری آموزشهای مورد نظر توسط اعضای اصلی کسب و کار در عملکرد کارآفرینانه آن کسب و کار تأثیر مثبت دارد.

مواد و روشها

با توجه به مسئله تحقیق و به منظور دستیابی به اهداف در نظر گرفته شده، در تحقیق حاضر از روش تحقیق پیمایشی استفاده شد.

جامعه آماری تحقیق شامل آن دسته از دانش‌آموختگان آموزش عالی در رشته‌های کشاورزی و منابع طبیعی بوده که یک کسب و کار را به صورت انفرادی یا گروهی در یکی از

ادامه

کارآفرینانه کسب و کار، که قبلاً توضیح داده شد، تفاوت دارد. گرایش کارآفرینانه کسب و کار در واقع گرایش و رفتار کل مجموعه کسب و کار در هنگام فعالیت در بازار است و در سطح "مجموعه کسب و کار" مطرح می‌شود، در حالی که این ویژگیها مجموعه خصوصیات روانشناختی در فرد است که در تصمیم‌گیری‌ها و رفتار او اثرگذار می‌باشد و در سطح "فرد" مطرح می‌شود نه در سطح "کسب و کار". بر این اساس، ممکن است صاحبان یک کسب و کار دارای درجاتی از ویژگیهای کارآفرینانه باشند، اما کسب و کار آنها به دلایل مختلف فاقد هرگونه گرایش و راهبرد کارآفرینانه در بازار باشد. به همین دلیل امروزه بیشتر محققان کارآفرینی معتقدند که باید این دو را به صورت دو متغیر مجزا مطالعه کرد نه در حکم یک متغیر (منابع ۵، ۱۶، ۲۸).

...

زمینه‌های تولیدی، صنایع تکمیلی و یا خدمات کشاورزی و منابع طبیعی با سابقه حداقل ۳ سال راه‌اندازی کرده و در زمان تحقیق حاضر نیز مشغول فعالیت بوده‌اند. به‌علاوه، کسب‌وکارهای مذکور می‌بایستی از سوی افراد صاحب‌نظر، صاحبان کسب‌وکارهای دیگر و یا سازمانها و صنایع مرتبط با کشاورزی و منابع طبیعی، به عنوان یک کسب‌وکار موفق معرفی شده باشد. برای انتخاب جامعه نمونه، براساس تقسیمات وزارت کشاورزی سابق، کل کشور به هشت منطقه همجوار تقسیم و از هر یک از مناطق، یک استان (در مجموع ۸ استان) به صورت تصادفی انتخاب شد. سپس با مراجعه به منابع اطلاعاتی مختلف در آن استان، کسب‌وکارهای دارای ویژگیهای مورد نظر جهت مطالعه، شناسایی شد. علاوه بر استفاده از روشهای مختلف برای شناسایی کارآفرینان، روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی^۱ نیز به کار گرفته شد؛ بدین معنی که در هنگام جمع‌آوری اطلاعات در مورد یک کسب‌وکار، از افراد خواسته شد تا چنانچه اشخاصی را می‌شناسند که موفق عمل کرده‌اند به محقق معرفی کنند تا در صورت دارا بودن شرایط مورد نیاز، نسبت به برقراری تماس و جمع‌آوری داده‌های مربوط به آنها اقدام گردد. درنهایت، تعداد ۷۲ کسب‌وکار مورد شناسایی و مطالعه قرار گرفت.

ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه‌ای بود که پایایی مقیاسهای مختلف آن از طریق آزمون آلفای کرونباخ بررسی شد. روایی پرسشنامه نیز با استفاده از نظرات یک پانل پنج نفره از متخصصان کارآفرینی تأیید و در نهایت، تعداد ۱۰۳ پرسشنامه از طریق مصاحبه تکمیل گردید.

متغیرهای مستقل این تحقیق عبارتند از: ۱. گرایش کارآفرینانه کسب‌وکار (منابع ۲۱، ۲۸، ۳۲ و ۳۳)، ۲. پویایی محیط (منابع ۶ و ۳۱)، ۳. حمایتی بودن محیط (منابع ۴، ۱۵، ۲۴ و ۳۰)، ۴. رقابتی بودن محیط (منابع ۷، ۱۵، ۱۷ و ۱۸)، ۵. ساختار سازمانی کسب‌وکار (منبع ۲۰)، ۶. دسترسی کسب‌وکار به منابع مورد نظر (منابع ۳، ۱۰ و ۱۸)، ۷. ویژگیهای کارآفرینانه صاحبان کسب و کار (منبع ۲۵)، و ۸. توانمندیهای سازمانی کسب‌وکار (منابع ۴ و ۱۱). برای سنجش

1. snow-ball sampling

متغیرهای فوق از مقیاسهای به کار رفته در تحقیقات کارآفرینی استفاده شد. تمامی این مقیاسها به صورت طیف لیکرت پنج مقوله‌ای (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف، و یا از خیلی کم تا خیلی زیاد) بودند.

به منظور سنجش متغیر مستقل آموزش، که در سطح مقیاس فاصله‌ای اندازه‌گیری شد، ابتدا مهمترین آموزشهای مؤثر در عملکرد کارآفرینان یک کسب‌وکار راه‌اندازی شده، تعیین گردید. ابعاد این آموزشها عبارتند از: ۱) نحوه نگارش یک طرح تجاری مناسب، ۲) مدیریت منابع انسانی، ۳) خلاقیت و نوآوری، ۴) برنامه‌ریزی راهبردی، ۵) مهارتهای امور مالی و حسابداری، ۶) اقدامات عملیاتی در جهت راه‌اندازی کسب‌وکار، ۷) بازاریابی و تحلیل مشتری، ۸) مطالعات امکانسنجی، ۹) مهارتهای تخصصی در زمینه کسب‌وکار، ۱۰) قوانین و مقررات کسب‌وکار و تجارت، ۱۱) نحوه تأمین منابع مالی جهت راه‌اندازی کسب‌وکار جدید و یا توسعه کسب‌وکار فعلی، ۱۲) مهارتهای ارتباطی (Gibb, 2002). پس از تعیین این ابعاد، با نظرخواهی از صاحبان کسب‌وکار، میزان فراگیری هر یک از آموزشهای فوق برحسب میزان ساعت آموزش گذرانده شده، اندازه‌گیری شد. به‌علاوه از افراد خواسته شد تا چنانچه در مجموعه کسب‌وکارشان آموزشهای دیگری غیر از موارد فوق را هم گذرانده‌اند که در موفقیت و عملکرد آنها مؤثر بوده است، آن را نیز بیان کنند.

در مورد متغیر وابسته تحقیق (عملکرد کارآفرینانه) باید گفت که محققان شاخه کارآفرینی و مدیریت راهبردی معتقدند که عملکرد کارآفرینانه عامل چندبعدی است و لذا برای مطالعه آن باید این ابعاد را به صورت تلفیقی در نظر گرفت. در اکثر مطالعات ابعاد زیر جهت سنجش عملکرد به کار رفته است: ۱) عملکرد اقتصادی؛ ۲) رشد اقتصادی؛ ۳) میزان اشتغالزایی و ۴) رضامندی از ابعاد سه‌گانه فوق از دیدگاه صاحب یا صاحبان کسب‌وکار (منابع ۵، ۱۳، ۲۳ و ۲۸). در این تحقیق، علاوه بر سنجش ابعاد فوق، ابعاد زیر نیز مطالعه شد: ۱) رشد سازمانی کسب‌وکار؛ ۲) میزان نوآوری در محصول یا خدمت؛ ۳) میزان نوآوری در فرایندهای سازمانی و روشهای انجام کار و ۴) موفقیت در ورود به بازارهای جدید. از آنجا که تمامی کسب‌وکارهای مورد مطالعه خصوصی بوده است و صاحبان آنها خود را ملزم به قرار دادن

...

اطلاعات عملکردی خویش در اختیار محقق نمی‌دیدند، تمامی ابعاد فوق از طریق نظرخواهی از نماینده کسب و کار سنجیده شد (منابع ۱۳، ۱۴، ۱۸).

نتایج و بحث

علاوه بر استفاده از آماره‌های توصیفی، به منظور آزمون فرضیات تحقیق و تبیین روابط موجود میان متغیرها، از روش رگرسیون گام به گام و تحلیل مسیر نیز استفاده شد. در جدول ۱ آمار توصیفی برخی از مهمترین ویژگیهای نمونه مورد مطالعه درج شده است.

جدول ۱. برخی از مهمترین ویژگیهای نمونه مورد مطالعه

فراوانی		ویژگی مورد مطالعه	
درصد			
۸۶/۴	۸۹	مذکر	الف) جنسیت:
۱۳/۶	۱۴	مؤنث	
۲۵	۱۸	کشتهای گلخانه‌ای	ب) زمینه فعالیت:
۱۹/۵	۱۴	پرورش دام و طیور	
۱۵/۳	۱۱	زراعت	
۱۳/۹	۱۰	خدمات کشاورزی و منابع طبیعی	
۱۱/۱	۸	باغبانی	
۸/۳	۶	خدمات دام و طیور	
۶/۹	۵	شیلات	
۲۹/۲	۲۱	تهران	ج) استان محل فعالیت:
۱۲/۵	۹	همدان	
۱۲/۵	۹	اصفهان	
۱۱/۱	۸	فارس	
۹/۷	۷	گیلان	
۹/۷	۷	آذربایجان شرقی	
۸/۳	۶	کرمان	
۶/۹	۵	ایلام	

فراوانی درصد		ویژگی مورد مطالعه	
۹/۷	۷	قبل از انقلاب	دوره زمانی راه اندازی:
۲۰/۸	۱۵	دهه ۱۳۶۰	
۶۹/۵	۵۰	دهه ۱۳۷۰	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج مندرج در جدول ۱ مبین نرخ بالاتر فعالیتهای کار آفرینانه در میان دانش‌آموختگان مرد در مقایسه با دانش‌آموختگان زن است (۸۶/۴ درصد در مقابل ۱۳/۶ درصد). بنابراین، ضروری است که علت نرخ پایین رفتار کار آفرینانه این دو گروه بررسی شود. این نکته بویژه از این جهت حائز اهمیت است که در شرایط فعلی نظام آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی ایران، تعداد دانشجویان مؤنث نسبت به دانشجویان مذکر بیشتر است.

از بعد زمینه فعالیت، آمار مندرج در جدول ۱ نشان از متنوع بودن زمینه فعالیت دانش‌آموختگان کار آفرین دارد و ملاحظه می‌شود که کشتهای گلخانه‌ای ۲۵ درصد از حجم نمونه بررسی شده را دربر گرفته است. این مطلب یعنی این نوع کشاورزی، در کشور رشد داشته است. همچنین ۲۷/۸ درصد از کسب‌وکارهای مورد مطالعه در زیربخش دام و طیور و خدمات مرتبط به آن بوده که این نشان از فعال بودن این زیربخش دارد.

طبق جدول ۱، از میان ۸ استان مورد بررسی، استان تهران با ۲۹/۲ درصد (۲۱ کسب‌وکار) بیشترین و استان ایلام با ۶/۹ درصد (۵ کسب‌وکار) کمترین سهم را در نمونه مورد مطالعه داشته‌اند.

از نظر دوره زمانی راه‌اندازی، آمارهای ثبت شده در جدول ۱ نشان‌دهنده رشد محسوس فعالیتهای کار آفرینانه در میان دانش‌آموختگان آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی ایران در دهه ۱۳۷۰ در مقایسه با دهه‌های گذشته است.

به منظور آزمون فرضیات تحقیق از رگرسیون گام به گام استفاده شد که آماره‌های آن در جدولهای ۲ و ۳ درج گردیده است.

جدول ۲. متغیرهای وارد شده در مدل رگرسیون در گامهای مختلف

گامهای مدل	متغیرهای هر گام	ضرایب تعیین (R ²)
اول	گرایش کار آفرینانه کسب‌وکار	۰/۲۹

...

۰/۳۴	ویژگیهای کارآفرینانه صاحبان	دوم
۰/۳۶	دسترسی به منابع سازمانی	سوم
۰/۳۷	آموزشهای فراگرفته شده	چهارم
۰/۳۸	پویایی محیط	پنجم
۰/۳۹	رقابتی بودن محیط	ششم

مأخذ: یافته های تحقیق
متغیر وابسته: عملکرد کارآفرینانه

جدول ۳. ضرایب رگرسیون گام به گام برای بررسی تأثیر متغیرها

متغیرهای وارد شده در مدل	ضرایب رگرسیونی استاندارد شده (β)	خطای استاندارد	مقدار t	سطح معنیداری
گرایش کارآفرینانه کسب و کار	۰/۱۹۵	۰/۵۶۲	۲/۸۲۸	۰/۰۰۶
ویژگیهای کارآفرینانه صاحبان	۰/۱۲۳	۰/۶۸۱	۲/۱۱۲	۰/۰۰۹
دسترسی به منابع سازمانی	۰/۰۹۱	۱/۲۲۳	۱/۷۰۴	۰/۰۳۷
آموزشهای فراگرفته شده	۰/۰۸۷	۱/۳۰۱	۱/۶۴۸	۰/۰۳۹
پویایی محیط	۰/۰۶۵	۱/۴۲۲	۱/۶۷۳	۰/۰۴۵
رقابتي بودن محیط	۰/۰۶۱	۱/۴۳۵	۱/۶۸۲	۰/۰۴۸

مأخذ: یافته های تحقیق

نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام به شرح زیر است:

۱. آماره‌های مندرج در جدول ۲ نشان می‌دهد که از میان ۶ متغیر وارد شده در مدل، گرایش کارآفرینانه کسب و کار بیشترین تأثیر مستقیم را در عملکرد کارآفرینانه داشته است ($R^2 = ۰/۲۹$). به عبارتی، عملکرد کارآفرینانه کسب و کارهای دانش‌آموختگان کارآفرین بیش از دیگر متغیرهای مورد مطالعه تحت تأثیر گرایشها و رفتار کارآفرینانه کل مجموعه کسب و کار بوده است. معنیدار شدن ضریب رگرسیونی استاندارد شده این متغیر ($\beta = ۰/۱۹۵$) نشاندهنده تأثیر مثبت آن در عملکرد کارآفرینانه است. این نتیجه با نتایج تحقیقات قبلی همخوانی دارد.

۲. بر اساس جدول ۲، ویژگیهای کارآفرینانه اعضای اصلی کسب و کار دومین متغیری است که بیشترین تأثیر را در عملکرد کارآفرینانه کسب و کار داشته است. مقدار R^2 مدل در گام دوم برابر با ۰/۳۴ است که از این مقدار سهم متغیر "ویژگیهای کارآفرینانه اعضای اصلی کسب و کار" در تبیین واریانس متغیر وابسته (عملکرد کارآفرینانه) برابر با ۰/۰۵ است (تفاوت میان ضرایب تعیین مدل در گامهای اول و دوم). جدول ۳ نشان می‌دهد ضریب رگرسیونی استاندارد شده این متغیر ($\beta = ۰/۱۹۵$) مثبت بوده و در سطح $\alpha = ۰/۰۰۹$ معنیدار شده است. این نتیجه نشاندهنده تأثیر مثبت این متغیر در عملکرد کارآفرینانه می‌باشد و همچنین نشان می‌دهد

...

که در بخش کشاورزی و منابع طبیعی ایران هرچه اعضای اصلی یک کسب و کار دارای ویژگیهای کارآفرینانه بیشتری باشند، احتمال موفقیت کارآفرینانه آنها زیادتر خواهد بود. دو نتیجه فوق تأیید کننده فرضیه ۱ تحقیق هستند.

۳. متغیری که در گام سوم رگرسیون (جدول ۲) در کنار دو متغیر قبلی وارد مدل رگرسیون شد، "میزان دسترسی کسب و کار به منابع مورد نیاز" بوده که سهم آن در تبیین واریانس عملکرد کارآفرینانه کسب و کارهای مورد مطالعه برابر با ۰/۰۲ می باشد (میزان اختلاف ضرایب تعیین مدل در گامهای دوم و سوم). براساس جدول ۳، مقدار عددی ضریب رگرسیونی این متغیر (β) برابر با ۰/۰۹۱ ($\alpha=0/037$) و مبین تأثیر مثبت متغیر مذکور در عملکرد کارآفرینانه است. به بیان دیگر، میزان دسترسی به مواد و نهادهای اولیه مورد نیاز با هزینه مناسب، میزان دسترسی به فناوری و سرمایه مورد نیاز، میزان دسترسی به شبکه حمل نقل مناسب جهت ارسال خدمات و محصولات به بازار و مشتریان و میزان دسترسی به نیروی انسانی مورد نیاز در عملکرد کارآفرینانه کسب و کار تأثیر مثبت و مستقیم دارند. بر این اساس، بخشی از فرضیه ۳ یعنی "دسترسی کسب و کار به منابع مورد نیاز دارای تأثیر مثبت در عملکرد کارآفرینانه آن است" تأیید می شود.

۴. آموزشهای فراگرفته شده در زمینه مهارتهای تخصصی، مهارتهای کسب و کار و مهارتهای کارآفرینانه در عملکرد کارآفرینانه کسب و کارهای راه اندازی شده تأثیر مثبت و معنیدار دارد ($\beta=0/087$). براین اساس فرضیه ۴ تحقیق تأیید می شود. مطابق جدول ۲، این متغیر در گام چهارم رگرسیون وارد مدل شده و بعد از سه متغیر: "گرایش کارآفرینانه کسب و کار"، "گرایشهای کارآفرینانه اعضای اصلی کسب و کار" و "میزان دسترسی کسب و کار به منابع مورد نیاز" بیشترین تأثیر را در متغیر وابسته داشته است (سهم این متغیر در تبیین واریانس متغیر وابسته برابر با ۰/۰۱ می باشد). به منظور تحلیل بهتر نقش آموزش در عملکرد کارآفرینانه، آمار توصیفی تحقیق ارائه می شود. بر اساس نتایج، دانش آموختگان کارآفرین عمدتاً در زمینه های زیر آموزش دیده اند:

جدول ۴. مهمترین آموزشهای فراگرفته شده توسط کارآفرینان

میانگین میزان آموزش (ساعت)	موضوع مورد آموزش
۱۳۵	مهارتهای تخصصی
۱۱۰	مطالعات امکانسنجی
۱۰۵	بازاریابی و تحلیل مشتری
۹۵	اقدامات عملیاتی جهت راهاندازی کسب و کار
۸۵	نحوه تهیه یک طرح تجاری مناسب
۴۰	خلاقیت و نوآوری
۴۰	امور مالی و حسابداری
۲۵	مدیریت منابع انسانی
۲۰	نحوه تأمین منابع مالی جهت راهاندازی کسب و کار
۱۵	قوانین و مقررات کسب و کار و تجارت در ایران
۱۵	برنامه ریزی راهبردی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

بر اساس جدول ۴، دانش آموختگان کارآفرین بیشتر در زمینه‌های مهارتهای تخصصی، مطالعات امکانسنجی، بازاریابی و تحلیل مشتری، اقدامات عملیاتی جهت راهاندازی کسب و کار و نحوه تهیه یک طرح تجاری مناسب آموزش دیده‌اند. درباره نحوه فراگیری آموزشهای فوق، غیر از "مهارتهای تخصصی" (به تأیید ۸۶/۷ درصد پاسخگویان)، سایر مهارتها در هنگام تحصیل در دانشگاه آموزش داده نشده است. در این باره ترتیب الویت منابع فراگیری مهارتها چنین ذکر شده است: تجارب کاری قبلی، به صورت آزمون و خطا در حین انجام کار، شرکت در دوره‌های آموزشی خارج از دانشگاه و مطالعات شخصی. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که علی‌رغم مهم بودن این آموزشها در موفقیت کارآفرینانه، چندان برنامه مدون و نظام‌مندی در محیط پیرامون این کسب و کارها به منظور آموزش دادن افراد علاقه‌مند وجود ندارد. لذا گنجاندن آموزشهای ذکر شده در نظام آموزشی دانشکده‌های کشاورزی و منابع طبیعی ایران لازم است.

...

۵. عوامل محیطی (پویایی محیط و رقابتی بودن محیط) دارای تأثیر مثبت و معنی‌دار در عملکرد کارآفرینانه کسب و کار است (تأیید بخشی از فرضیه ۲)، اما آثار مستقیم این عوامل بر عملکرد کارآفرینانه در مقایسه با آثار مستقیم سایر متغیرهای مورد مطالعه کمتر است که این نتیجه کاملاً با نتایج تحقیقات قبلی همسویی دارد.

۶. ضرایب رگرسیونی استاندارد شده (β) نشان‌دهنده میزان اهمیت نسبی هر یک از متغیرهای تأثیرگذار بر عملکرد کارآفرینانه است. براساس جدول ۳، متغیر "گرایش کارآفرینانه کسب و کار" بیشترین اهمیت و متغیر "رقابتی بودن محیط" کمترین اهمیت را در پیش‌بینی عملکرد کارآفرینانه دارند. برای مثال، یک واحد تغییر در انحراف معیار "گرایش کارآفرینانه کسب و کار" به اندازه ۰/۱۹۵ در انحراف عملکرد کارآفرینانه تأثیر می‌گذارد، در حالی که یک واحد تغییر در انحراف معیار "رقابتی بودن محیط" فقط به اندازه ۰/۰۶۱ باعث تغییر انحراف معیار عملکرد کارآفرینانه می‌شود.

۷. سه متغیر حمایتی بودن محیط؛ توانمندیهای سازمانی و ساختار سازمانی وارد مدل رگرسیون نشدند؛ زیرا هیچ‌گونه اثر مستقیم و معنی‌داری بر عملکرد کارآفرینانه نداشتند. این نتیجه با نتایج تحقیقات قبلی همخوانی ندارد. به منظور درک بهتر علت این وضعیت، نتایج توصیفی هر یک از سه متغیر مذکور در جدول ۵ درج شده است.

جدول ۵. آمار توصیفی متغیرهای حمایتی بودن محیط؛ توانمندیهای سازمانی و

ساختار سازمانی

متغیر	فراوانی پاسخ‌ها به درصد				
	۱	۲	۳	۴	۵
حمایتی بودن محیط	۹/۷	۸۶/۱	۴/۲	-	-
توانمندیهای سازمانی	-	-	۱۷/۸	۷۹/۴	۲/۸
ساختار سازمانی	-	-	-	۵۶/۹	۴۳/۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تذکر: مقیاس به کار رفته برای سنجش حمایتی بودن محیط و ساختار سازمانی از کاملاً موافقم (۵) تا کاملاً مخالفم (۱) و برای توانمندیهای سازمانی از خیلی زیاد (۵) تا خیلی کم (۱) را در بر گرفته است.

بر اساس جدول ۵، ۹۵/۸ درصد از مشارکت کنندگان در تحقیق محیط پیرامون کسب و کار خود را حامی کارآفرینی نمی‌دانند (در حد ضعیف و خیلی ضعیف)؛ بنابراین از دیدگاه دانش‌آموختگان کارآفرین، عوامل محیطی موجود وضعیت رضایت‌بخشی ندارد. دلیل اصلی وارد نکردن این متغیر در مدل رگرسیون گام به گام این است که هم آنهایی که عملکرد کارآفرینانه بالایی داشته‌اند و هم آنهایی که عملکرد کارآفرینانه پایین‌تری در قیاس با سایر کارآفرینان داشته‌اند، بیان نکرده‌اند که شرایط محیطی موجود در بخش تخصصی آنها حامی رفتار کارآفرینانه نیست. یعنی به رغم تغییر در عملکرد کارآفرینانه کسب و کارها، هیچ‌گونه تغییر معناداری در دیدگاه صاحبان این کسب و کارها نسبت به شرایط محیطی پیرامون کسب و کار از بعد حمایت کردن از رفتار کارآفرینانه حاصل نشده است. بنابراین، با توجه به آمار توصیفی این متغیر، می‌توان استنباط کرد که با آنکه این متغیر در مدل رگرسیونی وارد نشده است، اما دارای تأثیر منفی در عملکرد کارآفرینانه و بازدارنده فعالیت‌های کارآفرینانه بوده است. مقدار میانه برابر با عدد ۲ نشان می‌دهد که به‌طور کلی از دیدگاه دانش‌آموختگان کارآفرین، میزان حمایتی بودن محیط از بعد کارآفرینی در حد "ضعیف" است.

نتایج نظرسنجی از اعضای اصلی کسب و کار (۱۰۳ نفر) در زمینه برخی از مهمترین مشکلات محیطی مانع پیشرفت کسب و کار در جدول ۶ درج شده است.

جدول ۶. مهمترین مشکلات محیطی دانش‌آموختگان کارآفرین

مشکلات	فراوانی
دیوانسالاری شدید اداری در سازمانهای دولتی	۶۸
درخواست وجهی اضافی از کارآفرینان توسط برخی ارگانهای دست‌اندرکار، جهت رسیدگی به مشکلات کارآفرینان	۶۷
نامناسب بودن سیاستهای دولت در زمینه اقتصاد باز و رقابتی در بخش کشاورزی و منابع طبیعی	۶۱
ضعف شبکه اطلاع رسانی در زمینه ابعاد مختلف فعالیتهای کارآفرینانه در بخش کشاورزی	۶۰
نامناسب بودن سیاستهای دولت در زمینه مشارکت بخش خصوصی در توسعه اقتصادی بخش کشاورزی	۵۷
بی‌ثباتی و متغیر بودن سیاستهای دولت در بخش کشاورزی و منابع طبیعی	۵۲

مأخذ: یافته‌های تحقیق

...

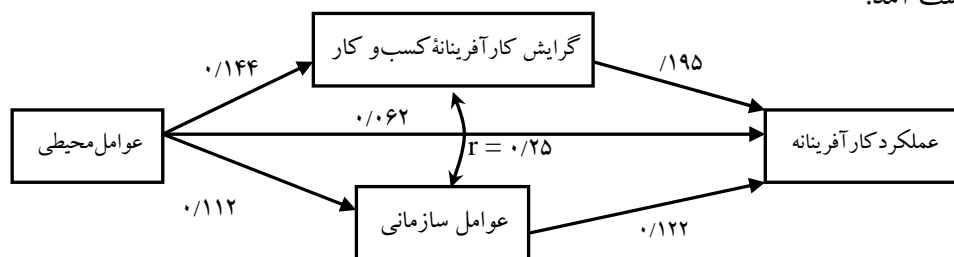
ماهیت هریک از موارد ذکر شده در جدول ۶ نشان می‌دهد که این موارد نیز باید جزء ابعاد "حمایتی بودن محیط" لحاظ گردند. باید گفت که موارد فوق به اشکال مختلف از سوی پاسخگویان اظهار گردیدند و محقق بعد از گردآوری، آنها را بر اساس پیشینه تحقیق به شکل عبارات فوق پالایش کرد.

در جدول ۵ آمار توصیفی دو متغیر دیگر، که برخلاف انتظار در مدل رگرسیونی وارد نگردیدند، درج شده است. این دو متغیر عبارتند از: میزان برخورداری کسب‌وکار از توانمندیهای سازمانی و مناسب بودن ساختار سازمانی از بعد کارآفرینی. نتایج مربوط به متغیر اول نشان می‌دهد که ۸۲/۲ درصد از کارآفرینان، تیم اصلی کسب‌وکار خود را از نظر توانمندیها و مهارتهای سازمانی در حد "بالا" و "بسیار بالا" توصیف کرده‌اند و تنها ۱۷/۸ درصد پاسخگویان این توانمندیها را در حد متوسط دانسته‌اند. مقدار میانه برابر با ۴ نشان می‌دهد که پاسخگویان توانمندیهای سازمانی کسب‌وکار خود را در حد "بالا" ارزیابی کرده‌اند. سؤالی که در اینجا پیش می‌آید این است که آیا واقعاً آنچه پاسخگویان در مورد توانمندیهای سازمانی کسب‌وکار خود گفته‌اند، حقیقت دارد؟ به نظر می‌رسد که از طریق انجام دادن چنین مطالعاتی نتوان به طور دقیق در مورد توانمندیهای سازمانی یک کسب‌وکار قضاوت کرد و این کار نیازمند مطالعات کیفی و طولی است. دلیل اصلی وارد نکردن این متغیر در مدل رگرسیونی این است که تمامی پاسخگویان (چه آنهایی که عملکرد کارآفرینانه بالایی داشته‌اند و چه آنهایی که عملکرد کارآفرینانه پایین‌تری در قیاس با سایر کارآفرینان داشته‌اند) توانمندیهای سازمانی خود را در حد "بالا" ارزیابی کرده‌اند و به همین دلیل هیچ رابطه آماری معنیداری میان عملکرد کارآفرینانه و توانمندیهای سازمانی یافت نشده است. بنابراین، آن بخش از فرضیه ۳ که درباره تأثیر توانمندیهای سازمانی کسب‌وکار در عملکرد کارآفرینانه است، نیازمند مطالعه بیشتری است.

در مورد متغیر مناسب بودن ساختار سازمانی کسب‌وکار از بعد کارآفرینی، تمامی کارآفرینان میزان مناسب بودن ساختار کسب‌وکار خود را در حد "بالا" و "خیلی بالا" ارزیابی

کرده‌اند (میانه برابر با ۴). میانگین تعداد افراد شاغل در کسب و کارهای مورد مطالعه برابر با ۷ نفر بوده و تنها ۲۲/۲ درصد از کل کسب و کارهای مورد مطالعه نیروی انسانی بیش از ۱۰ نفر داشته‌اند. بسیاری از محققان کارآفرینی اظهار کرده‌اند که در سازمانهای دارای کمتر از ۱۰ نفر نیروی انسانی می‌توان اثر عوامل ساختار سازمانی را نادیده گرفت؛ زیرا در عمل چنین کسب و کارهایی فاقد ساختار سازمانی لایه‌لایه‌اند. در چنین کسب و کارهایی تیم اصلی کسب و کار نهایتاً متشکل از ۴-۵ نفر بوده که هر یک دارای سهم مشابهی در تصمیم‌گیری‌ها و عملیات اجرایی مختلف هستند و لذا از لحاظ ساختار سازمانی آنچنان توسعه نیافته‌اند که بتوان اثر عوامل ساختار سازمانی را ارزیابی کرد. لذا، این بخش از فرضیه ۳ حذف می‌گردد.

براساس نظریه‌های کارآفرینی، عوامل محیطی تأثیر خود را در عملکرد بیشتر از طریق تأثیر در ویژگیهای سازمانی؛ گرایشهای کارآفرینانه کسب و کار و گرایشهای کارآفرینانه افراد محقق می‌سازند (Lumpkin & Dess, 2001). لذا برای دستیابی به درکی بهتر از تأثیر عوامل محیطی در عملکرد کارآفرینانه، از تحلیل مسیر استفاده شد که مدل زیر از رابطه میان عوامل سازمانی، محیطی و گرایش کارآفرینانه کسب و کار و تأثیر آنها در عملکرد کارآفرینانه به دست آمد:



مدل مسیر عوامل اثرگذار بر عملکرد کارآفرینانه

در تبیین مدل فوق ذکر این نکته ضروری است که هرچند براساس تحقیقات مختلف و نظریه‌های کارآفرینی، عوامل آموزشی جزء عوامل محیطی محسوب می‌شوند، اما از آنجا که مشارکت کنندگان در این تحقیق اظهار داشتند که غیر از مهارت‌های تخصصی کسب و کار (که نتیجه آموزشهای دانشگاهی بوده است)، سایر آموزشهای فراگرفته شده (مندرج در جدول ۴) را خودشان کسب کرده‌اند و حاصل کار برنامه‌ریزی شده سازمانهای مرتبط با رشد و توسعه

...

کارآفرینی در بخش کشاورزی نبوده است، لذا "متغیر آموزش" جزء عوامل سازمانی کسب و کار لحاظ شد نه جزء عوامل محیطی. به علاوه، متغیر "حمایتی بودن محیط" جزء عوامل محیطی لحاظ نگردیده است؛ زیرا هیچ گونه رابطه معنیداری میان این متغیر و عملکرد کارآفرینانه یافت نشد. بنابراین لحاظ کردن این متغیر در مدل باعث ابهام در نتایج تحقیق گردید.

مدل فوق نشان می دهد که عوامل محیطی (پویا بودن و رقابتی بودن محیط) هم بر گرایش کارآفرینانه کسب و کار و هم بر عوامل سازمانی اثر مستقیم و معنی دار دارد. این نتیجه با نتایج تحقیقات بین المللی در زمینه کارآفرینی (منابع ۱۰، ۱۵، ۲۰، ۲۶، ۲۸، ۳۱) همخوانی دارد. به علاوه، میان دو متغیر گرایش کارآفرینانه کسب و کار و عوامل سازمانی رابطه ای دو طرفه (همبسته) برقرار است ($r=0/25$). این بدان معناست که عوامل سازمانی (گرایشهای کارآفرینانه اعضای تیم کسب و کار، دسترسی به منابع مورد نیاز و آموزشهای فراگرفته شده) در گرایش کارآفرینانه کسب و کار تأثیر مثبت دارد و از سوی دیگر اتخاذ گرایش کارآفرینانه از سوی مجموعه کسب و کار باعث تقویت و تشدید ویژگیهای سازمانی در جهت کارآفرینی می شود و نهایتاً بر این دو در عملکرد کارآفرینانه کسب و کار تأثیر می گذارد. مدل فوق نتایج تحقیقات قبلی مبنی بر پیش زمینه بودن نقش محیط در فعالیتهای کارآفرینانه و اثرگذاری بر عملکرد کارآفرینانه از طریق اثرگذاری بر عوامل سازمانی و گرایش کارآفرینانه کسب و کار (منابع ۱۵، ۲۰، ۲۶، ۲۸) را تأیید می کند.

آثار کلی (مستقیم و غیر مستقیم) هر یک از عوامل ذکر شده در مدل فوق به شرح

جدول ۷ است.

جدول ۷. آثار مستقیم، غیر مستقیم و کلی عوامل مورد مطالعه بر عملکرد کارآفرینانه

نام عامل	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کلی
گرایش کارآفرینانه کسب و کار	۰/۱۹۵	۰/۰۳۱	۰/۲۲۶
عوامل سازمانی	۰/۱۲۲	۰/۰۴۹	۰/۱۷۱

مأخذ: یافته های تحقیق

آثار کلی نشان می‌دهد که در شرایط فعلی، عملکرد کارآفرینانه دانش‌آموختگان آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی ایران بیش از هر چیز تحت تأثیر گرایش و رفتار کارآفرینانه کسب‌وکارشان قرار دارد و عوامل سازمانی و محیطی در رده‌های بعدی قرار دارند. تأثیر مستقیم گرایش کارآفرینانه کسب‌وکار در عملکرد کارآفرینانه از یک سو، و تأثیر مستقیم و معیندار محیط در گرایش کارآفرینانه کسب‌وکار از سوی دیگر، تلویحاً نشان می‌دهند که اگر دست‌اندرکاران و سازمانهای علاقه‌مند به رشد و توسعه کسب‌وکارهای کوچک در بخش کشاورزی خواهان رشد و توسعه این واحدها هستند، باید زمینه محیطی لازم را برای آنها فراهم کرد.

پیشنهادها

با توجه به نتایج تحقیق، پیشنهادهای زیر در جهت بهبود عملکرد کارآفرینانه در بخش کشاورزی ارائه می‌شود:

۱. از سوی سازمانهای مرتبط با توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی (وزارت جهاد کشاورزی، وزارت کار و امور اجتماعی، وزارت تعاون، سازمان صنایع کوچک، بانک کشاورزی، سازمان‌های اشتغال دانش‌آموختگان)، به‌طور هماهنگ، اقدامات لازم در مورد فراهم کردن شبکه اطلاع‌رسانی در سطح کشور در زمینه فعالیتهای کارآفرینانه در بخش کشاورزی و منابع طبیعی صورت پذیرد. در چنین شبکه‌ای باید اطلاعات و آمار لازم درباره ابعاد مختلف فعالیتهای کارآفرینانه بخش نظیر موارد زیر قابل دستیابی باشد: وضعیت بازار در زمینه‌های مختلف؛ بازارهای بین‌المللی کشاورزی و فرصتهای موجود در آنها؛ نحوه دستیابی به اطلاعات لازم در خصوص نهاده‌ها و مواد خام اولیه مورد نیاز فعالیتهای کارآفرینانه در زیربخش‌های مختلف کشاورزی و منابع طبیعی؛ آخرین اطلاعات درباره قانون کار و قانون تجارت و کسب‌وکار در ایران؛ زمینه‌های مورد علاقه دولت از بعد کارآفرینی؛ نحوه تقاضا

...

برای وام‌های مختلف و شرایط اعطای آنها؛ اطلاعات درباره دوره‌های آموزشی‌ای که قرار است برگزار شوند و اطلاعات درباره انواع مشاوره‌های موجود برای علاقه‌مندان.

۲. بر اساس نظرات کارآفرینان، در بسیاری از مواقع که کارآفرینان برای حل مشکلات خود به سازمانها و ادارت دولتی مرتبط مراجعه می‌کنند، به منظور تسریع در رسیدگی، برخی افراد مسئول از آنان درخواست وجهی اضافی می‌کنند. در صورتی که کارآفرینان به این نوع درخواستها عمل نکنند، آنگاه دیوانسالاری اداری این سازمانها باعث کندی و مانع‌تراشی در چرخه رسیدگی به درخواستها و مشکلات آنان می‌شود و عملاً مورد بی‌توجهی و کم‌توجهی قرار می‌گیرند. لذا پیشنهاد می‌شود که این‌گونه عوامل اداری-سازمانی شناسایی و به‌طور جدی با آنها برخورد قانونی شود.

۳. بر اساس نظرات مشارکت‌کنندگان در تحقیق، هیچ‌گونه برنامه‌ریزی نظام‌مند و حساب‌شده‌ای در جهت ارائه آموزش و مشاوره‌های مورد نیاز کارآفرینان در جهت تداوم و توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه‌شان وجود نداشته و در موارد اندکی هم که آموزش‌هایی وجود داشته‌است بیشتر به شکل نظری و صوری بوده و عملاً به حل مشکلات آنها کمکی نکرده‌است. پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که در کشورهای موفق در زمینه فعالیت‌های کارآفرینانه، یکی از اقدامات بسیار مهم، ارائه آموزش و مشاوره در ابعاد مختلف فعالیت‌های کارآفرینانه (از شناسایی فرصت گرفته تا نحوه توسعه فرصت، نگارش طرح تجاری قوی و عملی، مطالعات بازاریابی، مطالعات امکان‌سنجی، تحلیل مشتری، محاسبه ریسک در بازار و راه‌های کاهش آن، مدیریت مالی، مدیریت منابع انسانی، مدیریت زمان، آموزش کارگروهی، نوآوری و خلاقیت و آموزش مهارت‌های تخصصی-فنی) برای کارآفرینان است. لذا پیشنهاد می‌شود نیازهای آموزشی کارآفرینان بخش کشاورزی در زیر بخش‌های تخصصی مختلف شناسایی شود و اقدامات عملی لازم در جهت رفع این نیازها صورت پذیرد.

۴. نتایج تحقیق نشان داد که بخش کشاورزی و منابع طبیعی از بعد فعالیت‌های کارآفرینانه پویاست، اما متأسفانه از نظر حمایتی وضعیت چندان رضایت‌بخشی نداشته و در حد ضعیفی قرار گرفته‌است. به عبارتی، فرصت‌های کارآفرینانه زیادی در این بخش وجود داشته

که از سوی سازمانها و ارگانهای مسئول مورد غفلت قرار گرفته است. چنین وضعیتی در عین حال که یک تهدید به حساب می آید می تواند تبدیل به یک فرصت ایده آل برای این سازمانها شود تا با طراحی برنامه های مناسب و عملی و هماهنگ با یکدیگر، نسبت به ترغیب دانش آموختگان به فعالیتهای کارآفرینانه اقدام کنند. در این مسیر باید به آموزش، حمایت مالی، حمایت غیرمالی (تسهیل کردن فرایند راه اندازی و توسعه کسب و کارها)، رقابتی کردن بازار، گرایش به سوی اقتصاد باز و مبتنی بر رقابت، در نظر گرفتن امتیازها و مشوقهایی برای افراد علاقه مند، کمتر کردن دخالت دولت در بازار، حذف مقررات دست و پا گیر اداری و کمک به افراد علاقه مند در جهت تأمین نهاده ها و تجهیزات مورد نیاز از داخل و خارج، به طور جدی توجه شود.

منابع

1. رسول اف، جلال (۱۳۸۰)، اشتغال دانش آموختگان کشاورزی، سلسله نشست های علمی اشتغال، سازمان همیاری اشتغال دانش آموختگان.
2. نفیسی، عبدالحسین (۱۳۷۸)، بررسی نارسایی های ارتباط نظام های آموزشی و اشتغال و راهکارهای اصلاح آن، وزارت آموزش و پرورش.
3. Baum, J. R., E. A., Locke & K. G. Smith (2001), A multidimensional model of venture growth, *Academy of Management Journal*, 44(2): 292-303.
4. Bridge, S. & et al., (2003), Understanding enterprise, entrepreneurship, and small business, Palgrave Macmillan, USA.

...

5. Chadwick, K. H. (1998), An empirical analysis of the relationships among entrepreneurial orientation, organizational culture and firm performance, Doctoral Dissertation, Louisiana Tech University.

6. Chandler, G.N., S.H. Hanks (1994), Founder competence, the environment, and venture performance, *Entrepreneurship Theor, Pract.* 18 (3), 77–89.

7. Covin, J. G., & D. P. Slevin (1991), A conceptual model of entrepreneurship as firm behavior, *Entrepreneurship Theory and Practice*, 16(1), 7-24.

8. Dess, G. G., & D. W. Beard (1984), Dimensions of organizational task environments, *Administrative Science Quarterly*, 29: 52-73.

9. Fogel, G. (2001), An analysis of entrepreneurial environment and enterprised development in Hungary, *Journal of Small Business Management*, Vol. 39, No. 1, pp. 103–109.

10. Frese, M., A., Brantjes & R. Hoorn (2002), Psychological success factors of small scale businesses in Namibia: the roles of strategy process, entrepreneurial orientation and the environment, *Journal of Developmental Entrepreneurship*, 7(3), 259-283.

11. Gibb, A. (2002), In pursuit of a new enterprise and entrepreneurship paradigm for learning: Creative destruction, new values, new ways of doing things and new combinations of

knowledge, *International Journal of Management Reviews*, Vol. 4, Issue 3, pp. 233–269.

12. Gnyawali, D.R. and D.S. Fogel (1994), Environments for entrepreneurship development: Key dimensions and research implications, *Entrepreneurship Theory and Practice*, Vol. 18, No. 4, pp. 43-62.

13. Gupta, A.K. and V. Govindarajan (1984), Business unit strategy, managerial characteristics, and business unit effectiveness at strategy implementation, *The Academy of Management Journal*, Vol. 27, No. 1, pp. 25-41.

14. Ibrahim, A.B. and J.R. Goodwin (1986), Perceived causes of success in small business, *American Journal of Small Business*, Vol. 11, No. 2, pp. 41-50.

15. Kreiser, M. P. (2004), Reconceptualizing firm-level entrepreneurship, doctoral dissertation, The University of Alabama, USA.

16. Lumpkin, G. T., & G. G. Dess (1996), Clarifying the entrepreneurial orientation construct and linking it to performance, *Academy of Management*, 21(1), 135-160.

17. Lumpkin, G. T., & G. G. Dess (1997), Proactiveness versus competitive aggressiveness: Teasing apart key dimensions of an

...

entrepreneurial orientation, Proceedings in the annual Babson-Kauffman research conference. Wellesley, MA: Babson College.

18. Lumpkin, G. T. & G. G. Dess (2001), Linking two dimensions of entrepreneurial orientation to firm performance: The moderating role of environment and industry life cycle, *Journal of Business Venturing*, 16(5), 429-451.

19. Miller, D. (1983), The correlates of entrepreneurship in three types of firms, *Management Science*, 29: 770-791.

20. Miller, D. & P. Friesen (1982), Innovation in conservative and entrepreneurial firms: Two models of strategic momentum, *Strategic Management Journal*, 3, 1-25.

21. Miller, D., & P. Friesen (1983), Strategy-making and environment: The third link, *Strategic Management Journal*, 4, 221-235.

22. Nelson, R.E. (1986), The promotion of small enterprise development, In Nelson, R. E. country studies: Entrepreneurship and self-employment training, Manila, the Philippines, Asian Development Bank.

23. Paige, R. C. (1999), Craft retail entrepreneurs' perceptions of success and factors effecting success, Doctoral Dissertation, Iowa State University, USA.

24.Petrin, T. (1994), Entrepreneurship as an economic force in rural development, Keynote paper presented at the Seventh FAO/REU International Rural Development Summer School, Herrsching, Germany, 8-14 September 1994.

25.Shanthakumar, D.K. (1992), Attitudinal characteristics of male and female entrepreneurs in India and a comparison with American entrepreneurs, unpublished Doctoral dissertation, Brigham Young University, UT.

26.Slevin, D. P. & J. G. Covin (1997), Strategy formation patterns, performance, and the significance of context, *Journal of Management*, 23(2), 175-224.

27.Smit, A.B. (2004), Changing external conditions require high levels of entrepreneurship in agriculture, Agricultural Economics Research Institute, Wageningen University and Research Institute, Lelystad, The Netherlands

28.Solymossy, Emeric (1998), Entrepreneurial dimensions: the relationship of individual, Venture, and environmental factors to success, Doctoral Dissertation, Case Western Reserve University, USA.

29.Van de Ven, A., R. Hudson and D. Schroeder (1984), Designing new business startups: entrepreneurial, Organizational,

...

and Ecological Considerations, *Journal of Management*, Vol. 10, No. 1. pp. 87-107.

30. Wennekers, A. R. M. and A. R. Thurik (2001), Institutions, entrepreneurship and economic performance, In Lundstrom and Stevenson, (eds.), *Entrepreneurship Policy for the Future, Swedish Foundation for Small Business Research*, pp. 51–87.

31. Wiklund, J. and D. Shepherd (2005), Entrepreneurial orientation and small business performance: A configurational approach, *Journal of Business Venturing*, Vol. 20, pp. 71–91.

32. Wiklund, J. (1999), The sustainability of the entrepreneurial orientation–performance relationship, *Entrepreneurship Theory and Practice*, 24 (1), 37–48.

33. Zahra, S. A. & J. G. Covin (1995), Contextual influences on the corporate entrepreneurship-performance relationship: A longitudinal analysis, *Journal of Business Venturing*, 10(1), 43-58.

